



● بهاره جلالوند ● تصویرگر: مهدیه صفائی نیا

وقتی می شود بازی کرد و فیلم دید

چرا باید کتاب بخوانیم؟

توی دنیای پر از سرگرمی چرا باید کتاب خواند؟

● **فرهاد حسن زاده:** برای اینکه احساس تنهایی نکنیم، لازم است که کتاب بخوانیم. از جایی که هستیم بلند شویم و برویم جایی دیگر. دنیا همین جایی که ما هستیم فقط نیست. آدم‌های دیگر و زندگی‌های دیگری هم هست. کتاب مثل یک هواپیما ما را سوار خودش می‌کند و می‌برد به جاهای دور. بیش‌تر داستان‌هایی که می‌خوانیم انگار دست ما را می‌گیرند و می‌برند در دل ماجرا و ما فکر می‌کنیم این داستان برای ما دارد اتفاق می‌افتد.

● **سعیده موسوی زاده:** می‌خواهم از تجربه‌های خودم بگویم. کوچک که بودم کتاب‌ها و مجلات، خیلی کم بودند. اما در زندگی من نقش پررنگی داشتند. هر بار که مجله یا کتابی می‌خواندم، دنیای ذهنی‌ام بزرگ‌تر و قشنگ‌تر می‌شد. کلمات بیش‌تری یاد می‌گرفتم. روابط بین آدم‌ها و اتفاقات را بهتر می‌فهمیدم. می‌توانستم با شخصیت‌های تازه‌ای آشنا بشوم. آن‌ها جور دیگری فکر و زندگی می‌کردند. این‌ها برای من مثل دانستن رازهای جدید بود.

● **مهدی صادقی:** کتاب خواندن باعث رشد فکری ما می‌شود و دامنه‌ی لغات بیش‌تری را یاد می‌گیریم، تخیل‌مان را قوی‌تر می‌کند و ادبیات گفتاری‌مان هم تقویت می‌شود. کتاب، خلاقیت زاست یعنی وقتی که ما کتاب می‌خوانیم، دنیایی از ایده‌های جدید را به ما می‌دهد و قدرت تمرکزمان را هم بالا می‌برد. در کل به نظرم کتاب شخصیت آدم‌ها را شکل می‌دهد. امتحانش هم خیلی ساده است. یک آدم

بازی‌های هیجان‌انگیز و فیلم و سریال و هزار تا کار دیگر که می‌تواند تمام عمر سرمان را گرم کند و نگذارد حوصله‌مان سر برود. با وجود همه‌ی این‌ها آیا دوران خواندن کتاب به پایان نرسیده؟ اصلاً چرا باید کتاب بخوانیم؟ این سؤال‌ها را از چند نفر پرسیدیم. کسانی که زندگیشان را با خواندن و نوشتن می‌گذرانند و از آن لذت می‌برند. بیا ببینیم با هم ببینیم آن‌ها به این سؤال‌ها چه جواب‌هایی داده‌اند.



● **سعیده موسوی زاده:** بچه که بودم، به غیر از خواندن کتاب، تلویزیون هم تماشا می‌کردم. کارتون‌های جذابی که مرا به دنیای خیالی می‌برد. گاهی روزها خودم را جای شخصیت یک کارتون می‌گذاشتم و سعی می‌کردم مثل او باشم. اما کتاب فرصت بیش‌تری برای خیال‌پردازی به من می‌داد. قیافه‌ی شخصیت‌ها را خودم برای خودم می‌ساختم. تصویر پشت تصویر توی ذهنم مثل یک فیلم می‌شد. فیلمی که من خودم کارگردانش بودم. مطالب علمی را هم خیلی دوست داشتم. آن‌ها را می‌خواندم و با برادرم درباره‌شان گفت‌وگو می‌کردیم. بعد حس می‌کردیم دانشمندان کوچکی هستیم که رازهای بزرگ هستی را کشف کرده‌ایم. شب‌ها موقع خواب به ستاره‌ها نگاه می‌کردیم و به جهان بزرگ فکر می‌کردیم. چند بار خودمان را نویسنده دیدیم. با همان امکانات کم، کتاب درست کردیم. با داستان و نقاشی خودمان. بزرگ‌تر که شدم فهمیدم مطالعه چقدر برای رشد فکر و شخصیت خوب بوده. همراه با خاطره‌های شیرینی که برایم به جا گذاشته. مثل قصه‌های من و بابام در مجله‌ی پیک و داستان‌های خوب برای بچه‌های خوب.



● **مهدی صادقی:** شاید خیلی‌ها فکر کنند که فیلم می‌تواند جای کتاب را بگیرد، ولی فیلم هیچ وقت جای کتاب را نمی‌گیرد. یک فیلم‌ساز، داستان را بر اساس تخیل ذهنی خودش می‌سازد، اما وقتی ما یک داستان را می‌خوانیم، آن‌طوری که خودمان دوست داریم در تخیل‌مان برایش تصویرسازی می‌کنیم. برای همین، خیلی وقت‌ها نمی‌توانیم با فیلم‌های داستانی - تاریخی، ارتباط برقرار کنیم، چون قبلاً در کتاب‌ها درباره‌شان خواندیم و تصویر ذهنی‌مان در مورد آن واقعه، شکل گرفته است.

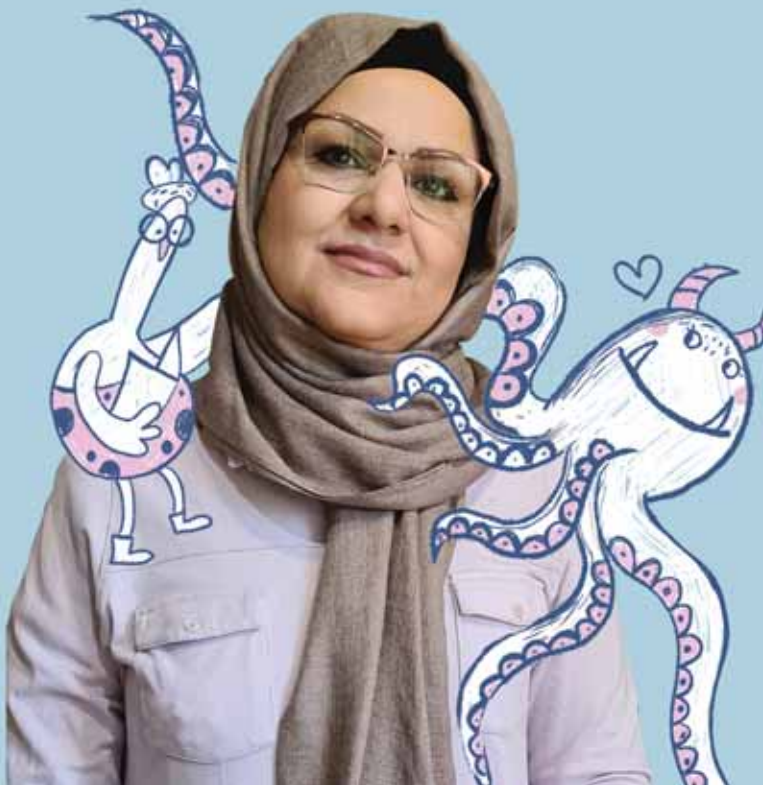
کتاب‌خوان را با یک آدمی که تا به حال کتابی را باز نکرده، مقایسه کنید.

● **جعفر توزنده‌جانی:** نباید فراموش کنیم ما هم روح داریم و هم جسم، هم بدن داریم و هم ذهن. همان‌طور که اگر غذا نخوریم جسم‌مان زنده نمی‌ماند روح و ذهن‌مان هم برای زنده ماندن نیاز به خوراک دارد. کتاب خوراک روح و ذهن ما است. انسان کامل کسی است که روح و جسمش هر دو بانشاط و زنده است.

خب، دیدن فیلم نمی‌تواند جایگزین کتاب خواندن شود؟

● **فرهاد حسن زاده:** فیلم مثل کتاب نیست، در فیلم این ما نیستیم که داریم داستان را می‌بینیم، بلکه کارگردان و بازیگران هستند که برای ما تصمیم می‌گیرند چه چیزی را ببینیم. اما وقتی داستان همان فیلم را می‌خوانیم، با تخیل خودمان همه چیز را می‌بینیم یعنی تصویرسازی می‌کنیم. وقتی کتاب می‌خوانیم با کلمه‌ها سروکار داریم. کلمه‌ها باعث می‌شوند که داستان را بفهمیم. خواندن باعث می‌شود که کلمه‌های بیش‌تری یاد بگیریم و خودمان هم از آن کلمه‌ها در حرف زدن و نوشتن کمک بگیریم.

● **جعفر توزنده‌جانی:** نه فیلم جای کتاب را می‌گیرد و نه کتاب جای فیلم را، هر کدام جایگاه خودشان را دارند. هر دو لازم است. اما من فکر می‌کنم فیلم دیدن راحت‌تر از کتاب خواندن است. برای همین بعضی‌ها بیش‌تر فیلم می‌بینند، پس توصیه می‌کنم کتاب هم بیش‌تر بخوانند.





روزبه‌روز دنیا پیشرفته‌تر می‌شود مخصوصاً دنیای رایانه‌ها، با این حساب آینده کتاب‌خوانی چه شکلی خواهد شد؟

برایم ساخته‌اند. حدس می‌زنم به زودی به خاطر احترام به درختان، کتاب‌های کاغذی کم و کم‌تر بشوند. اما نوشتن بیش‌تر و بیش‌تر خواهد شد.

● **مهدی صادقی:** دنیا روزبه‌روز پیشرفت می‌کند و کتاب‌ها هم تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند به‌نظرم در آینده، کتاب‌ها دیجیتال خواهند شد و خیلی‌ها هم که حوصله‌ی خواندن ندارند، از کتاب‌های صوتی استفاده خواهند کرد. کلاً آدم‌ها دو دسته هستند، بعضی‌ها دوست دارند کتاب را به شکل فیزیکی بخوانند و از آن لذت ببرند. دسته‌ای دیگر، به کتاب‌ها و متن‌های دیجیتال علاقه دارند و دل‌شان می‌خواهد تمام کارهای‌شان را روی تبلت یا موبایل‌شان انجام بدهند.

اگر بخواهید یک کتاب خوب به بچه‌ها معرفی کنید که بخوانند، آن چه کتابی است؟

● **فرهاد حسن‌زاده:** بگذارید یکی از مجموعه‌های محبوب خودم را نام ببرم که دوست دارم بچه‌های ایرانی آن را بخوانند، این مجموعه «گروه پنج+یک» نام دارد.

● **جعفر توزنده‌جانی:** خواندن «مجموعه داستان‌های بی‌پایان»، نوشته «احمد اکبریور» (انتشارات فاطمی) را به بچه‌ها پیشنهاد می‌کنم. خوبی این کتاب‌ها این است که در هر جلد یک داستان است با سه نوع پایان، صفحات آخر هم خالی است تا بچه‌ها هم برای داستانی که شروع شده پایانی متفاوت بنویسند.

● **سعیده موسوی‌زاده:** کتاب «بلندی‌های نیناک» را پیشنهاد می‌کنم. شگفت‌انگیز است. نوشته‌ی «ناتالی بابیت»، ترجمه‌ی «سیمین تاج‌دینی».

● **مهدی صادقی:** یکی از مجموعه‌هایی که خودم دوست داشتم، داستان‌های «تام گیتس» از انتشارات «هوپا» است. که «لیز پیشوت» آن را نوشته و تصویرسازی کرده است.

● **فرهاد حسن‌زاده:** با پیشرفت فناوری در آینده، هم خوانندگانی خواهیم داشت که کتاب صوتی گوش کنند و هم کسانی که با وسایل دیجیتالی کتاب‌ها را بخوانند و کیف کنند و هم کسانی که عاشق بوی کاغذ و ورق زدن کتاب هستند. شما تخم‌مرغ را در نظر بگیرید. با تخم‌مرغ ده‌ها غذا می‌شود پخت. در زمان‌های گذشته فقط آب‌پز می‌کردند. بعدها نیمرو و بعدها املت و بعدها تخم‌مرغ شد یکی از مواد اصلی غذاهای دیگر. شاید هم یک زمانی بیاید که مردم بیسکوئیت کتاب بخورند، بستنی کتاب لیس بزنند و صاحب دانایی و تجربه شوند.

● **جعفر توزنده‌جانی:** هر چقدر هم که زندگی در آینده پیشرفت کند، کتاب و کتاب‌خوانی هیچ‌وقت از بین نمی‌رود. چون کتاب یعنی دانش، یعنی آگاهی، یعنی تخیل، کتاب را کسی می‌نویسد که در زمینه‌ای آگاهی دارد و می‌خواهد به دیگران منتقل کند. پس تا وقتی نیاز به دانش و آگاهی هست، کتاب هم هست فقط شکل آن عوض می‌شود. جای کتاب‌های کاغذی را شکل‌های دیگری از کتاب که اکنون هم کم نیست، می‌گیرد.

● **سعیده موسوی‌زاده:** حالا که کتاب‌های صوتی آمده‌اند، من هم گوش می‌کنم و لذت می‌برم. اما هنوز هم وقتی کتاب را خودم می‌خوانم، آرامش و تمرکز بیش‌تری دارم. من یک کتابخانه‌ی واقعی دارم و چند کتابخانه‌ی مجازی که اپلیکیشن‌ها

